

سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه با بهره از سازمان‌های مردم‌نهاد

| الهه مرندی* | استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

چکیده

یکی از شاخصه‌های مشروعیت و مقبولیت هر نظام به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های عمومی و صیانت از آنها است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همین راستا، قوه قضائیه را مأمور به احیای حقوق عامه مینماید. استفاده از ظرفیت‌های مردمی در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی، قوه قضائیه را در انجام این تکلیف یاری می‌رساند. بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) جزء اصلی‌ترین ابزارها در اجرای سیاست‌های مذکور است. ورود تخصصی سمن‌ها به موضوعات مربوط به حقوق عامه سبب می‌شود تا چنانچه به خوبی از آنها بهره‌گیری شود، اقدامات موثری در احیای حقوق عامه صورت پذیرد. براین اساس ضرورت انجام پژوهشی در پاسخ به این پرسش که در اجرای سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد احیای حقوق عامه سمن‌ها از چه ظرفیت‌هایی برخوردارند؟ احساس شد تا طی یک پژوهش اکتشافی-توصیفی به بررسی موضوع پرداخته شود. با توجه به اکتشافی بودن پژوهش نمی‌توان انتظار فرضیه خاصی را داشت ولی با توجه به نظرات رایج می‌توان بیان داشت که سمن‌ها به عنوان دیده‌بانان فعال عرصه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی مطالبه‌ی حقوق و آزادیهای مشروع، مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضائی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجیگری و صلح و سازش از ظرفیت بالایی برخوردارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به نقش سمن‌ها در حوزه‌ی شناسایی و اجرای حقوق عامه، قوه قضائیه بایستی با رویکرد تعاملی از طرفی چون مساعدت‌های مالی، اعطای حق دادخواهی به سمن‌ها در اجرای اصل ۸ قانون اساسی و ایجاد مشوق‌های قانونی برای همکاری این نهادها حمایت‌های لازم را با هدف افزایش کارآمدی آنها در احیای حقوق عامه به عمل آورد.

واژگان کلیدی: حقوق عامه، اصل ۱۵۶ قانون اساسی، سازمان‌های مردم نهاد، سیاست جنایی مشارکتی، سمن.

مقدمه

قوه قضائیه به موجب اصول ۶۱ و ۱۵۶ و ۱۷۳ قانون اساسی ملزم به گسترش و تحقق امر عدالت، پاسداری و تضمین آزادی‌های فردی و مسئول احیای حقوق عامه و به عنوان ملجأ تظلم خواهی می‌باشد. صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی به عنوان یکی از شاخص‌های کارآمدی و مشروعیت بایستی از سوی این نهاد مورد توجه و در ردیف سیاست‌های فوری آن قرار گیرد. (سلطانی، ۱۳۹۳: ۷)

رهبر معظم انقلاب نیز همواره احیاء و استیفای حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع مردم را از وظایف مهم قوه قضائیه دانسته و اعلام داشته اند که این قوه باید پرچم‌دار این موضوعات باشد و با مخالفان و معارضان حقوق عمومی در هر جایگاهی مقابله کند. (دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه با رهبر انقلاب؛ ۱۳۹۶/۴/۱۲) در همین راستا رهبری نظام مطالبات جدی از رئیس قوه قضائیه در حکم انتصاب ایشان داشته اند مبنی بر اینکه «گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادی‌های مشروع و نظارت بر اعمال قانون را که در شمار هدف‌های قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه‌ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد» (متن حکم انتصاب حجت‌الاسلام رئیسی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۶)

بنابراین نهاد متعهد به تضمین و اجرای حقوق و آزادی‌های فردی در نظام ج.ا.ا قوه قضائیه است که طبق اصل ۱۵۶ ق.ا. صلاحیت تکلیفی در ارائه الگوی احیای حقوق عامه و تنظیم ساز و کار تضمین در این خصوص را بر عهده دارد. با عنایت به اینکه گفتمان دهه چهارم انقلاب اسلامی از سوی رهبری معظم انقلاب اسلامی، «پیشرفت و عدالت» تعیین گردیده است و همگان باید در راستای «عدالت گسترده وسیع و همه جانبه» تلاش نمایند، موضوع احیای حقوق عامه در اولویت دستگاه قضائی کشور قرار گرفته است.

قوه قضائیه در راستای اجرای تکلیف مزبور دارای ابزارهای مختلفی چون ارائه لوایح قضائی، کارآمدسازی و بهره‌گیری از ساختارهای موجود در دستگاه قضائی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی می‌باشد. در بررسی جایگاه این ابزارها توجه به این مسأله ضروری است که «احیای حقوق عامه همان قدر که نیازمند قانون است نیازمند بازتعریف سیاست جنایی با تاکید بر رویکرد مشارکتی و بازنگری در روابط ساختاری نهادهای نظارت کننده قضائی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های غیر رسمی

و کم هزینه نهادهای غیر رسمی است. لذا قوه قضائیه باید با نگاه تعاملی از سازمان مردم‌نهاد در این زمینه حمایت موثر به عمل آورد^۱. (غمامی، ۱۳۹۷: ۷۷ و ۸۶)

تصویب و ابلاغ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه در اسفندماه سال ۱۳۹۸ از سوی رئیس قوه قضائیه در راستای توجه نظام‌مند، پایدار و دانش‌بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی و با عنایت به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر مردمی بودن برنامه‌های تحولی قوه قضائیه و اهمیت مشارکت مردم و ظرفیت گسترده نهادهای مردمی و در اجرای اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی بیانگر اهمیت نقش نهادهای مردمی در تعامل با دستگاه قضائی در احیای حقوق عامه می‌باشد.

رویکرد بهره‌گیری از مشارکت جامعه مدنی، در سیاست جنایی اغلب کشورها در قالب سیاست جنایی مشارکتی مورد توجه قرار گرفته است. امروزه هیچ سیاست جنایی چه در عرصه تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله اجرا بدون مشارکت مردم و جامعه مدنی قابل اجرا و اعمال نیست. (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۷: ۲) از این رو در نظام‌های قضائی مختلف، دولت‌ها با در نظر گرفتن نقش موثر مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در اشکال گوناگون کنترل جرم، سیاست جنایی ذاتا دولتی را به سوی سیاست جنایی مشارکتی که جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داور، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری است سوق می‌دهند.

بدون تردید تاسیس و اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ یکی از جلوه‌های بسیار بارز مشارکت مردم در عرصه فعالیت‌های عمومی است^۲ که مورد استقبال سیاست‌گذاران جنایی در کشورهای مختلف برای حضور در رسیدگی‌های کیفری در حمایت از بزه‌دیدگان قرار گرفتند (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۷: ۱۵)

در نظام حقوقی ایران نیز بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مذکور در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند قوه قضائیه را در صیانت و اجرای حقوق عامه بیش از پیش یاری رساند.

لذا با توجه به نقش مهمی که سمن‌ها در احیای حقوق عامه ایفا می‌نمایند، ضرورت انجام پژوهشی در خصوص اینکه در اجرای سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه سمن‌ها از چه ظرفیت‌هایی برخوردارند؟ احساس شد تا طی یک پژوهش با روشی اکتشافی-توصیفی و با استفاده از تحلیل کیفی محتوا به بررسی موضوع پرداخته شود.

۱. Non-governmental Organization

۲. سازمان‌های مذکور متشکل از گروهی هستند که به‌صورت داوطلبانه، غیرانتفاعی و بدون وابستگی به دولت با تشکیلات و سازماندهی مشخص در جهت اهداف و موضوعات تعیین‌شده فعالیت می‌کنند. این اهداف می‌تواند حول موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی یا امور خیریه باشد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۲۰).

فرضیه ای که با توجه به آراء رایج می‌توان بیان داشت آن است که با توجه به نقش برجسته سمن‌ها در حوزه حمایت و مطالبه حقوق و آزادی‌ها و مشارکت در زمینه‌های مختلف موثر در احیای حقوق عامه، قوه قضائیه بایستی در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی در تعامل با این نهادها قدم بردارد و از ظرفیت آنها در احیای حقوق عامه بهره بگیرد.

در این مقاله ابتدا به معرفی حقوق عامه و نقش قوه قضائیه در احیای آن پرداخته می‌شود، سپس با معرفی سمن‌ها و نقش آنها در احیای حقوق عامه، ضرورت اتخاذ رویکردهای مشارکت جویانه و مبانی قانونی آن در زمینه احیای حقوق عامه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱- مفهوم حقوق عامه

نگاهی به قوانین و مقررات موجود نشان می‌دهد که حقوق عامه در قالب عبارات و مفاهیمی که تاکنون توسط قانونگذار بیان گردیده به خوبی و مبتنی بر مبانی قانون اساسی روشن نشده است. در قانون اساسی و قوانین عادی عبارات مختلفی در بیان مفهوم حقوق ملت به کار رفته است که عبارتند از حقوق ملت (اصل ۱۵۶)، حقوق انسانی (اصل ۱۴ و ۲۰)، آزادی‌های مشروع (اصل ۹ و ۱۵۶)، آزادی‌های فردی و اجتماعی (اصل ۱۵۶)، آزادی‌های سیاسی (اصل ۳)، حقوق عامه (اصل ۱۵۶)، آزادی‌های مشروع (ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲)، حقوق شهروندی (ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲)، حقوق شهروندی (منشور حقوق شهروندی مصوب آذر ۱۳۹۵).

نگاهی به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی که در جلسه مورخ ۱۲ آبان ۱۳۵۸ درخصوص اصل ۱۵۶ قانون اساسی که در آن عبارت «حقوق عامه» مطرح شده، بحث شده است، نشان می‌دهد متن پیشنهادی اصل مزبور در ابتدا بدین صورت بوده است که یکی از وظایف قوه قضائیه به شکل «تمییز حقوق و اقدام متناسب در احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است. نهایتاً در جلسه این عبارت به شکل فعلی یعنی «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» تصویب می‌شود. آنچه قابل توجه است، آن است که با مراجعه به متن مباحثات ملاحظه می‌شود که افراد حاضر در جلسه در مورد ترکیب احیای حقوق عامه ابهامی ندارند و بحث‌هایی که مطرح شده، در امور دیگر است.

نتیجه اینکه ظاهراً منظور از حقوق عامه و مصادیق آن که باید احیا شود، اجمالاً بلکه تفصیلاً، برای نمایندگان روشن بوده است (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی ق.ا.ج.ا.ا.ج. ۱۵۷۹: ۳/۱۵۸۴).

با وجود روشن بودن حقوق عامه برای نمایندگان مجلس بررسی قانون اساسی، نگاهی به دکترین نشان می‌دهد که دو دیدگاه مضیق و موسع در تعریف حقوق عامه مطرح است. دیدگاه موسع، که در مصوبه کمیسیون حقوقی و قضائی مجمع تشخیص مصلحت نظام مدنظر قرار گرفته است، حدود هفتاد حق را شامل می‌شود و دیدگاه مضیق که از اصل ۴۵ قانون اساسی الهام گرفته صرفاً شامل انفال و ثروت‌های عمومی است (قاسمی: ۱۳۹۸). برخی نیز حقوق عامه را حق‌های مقرر در قانون اساسی تعبیر کرده‌اند (تعریف مندرج در پیش‌نویس سیاست‌های کلی احیای حقوق عامه تشخیص مصلحت نظام ۱۳۸۸) و یا آن را حق جامعه بر نظم عمومی و امنیت شهروندان خویش یا حقوق شهروندی و برخی مجموعه حقوق و آزادی‌های مشروع منبث از موازین اسلامی و الزامات قانونی است که دولت طبق اصل ۳ نسبت به آن‌ها متعهد است و قوه قضائیه ملزم به احیای آن و برخورد با ناقضان است (غمامی، ۱۳۹۷: ۷۷).

در دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه ابلاغی مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳ رئیس قوه قضائیه از حقوق عامه چنین تعریف شده است:

«حقوقی است که در قانون اساسی، قوانین موضوعه یا سایر مقررات لازم‌الاجرا ثابت است و اجرا نشدن یا نقض آن، نوع افراد یک جامعه مفروض مانند افراد یک شهر، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضرر یا سلب امتیاز آنان می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری». تعریف مذکور بیانگر آن است که تمایل دستگاه قضائی به ارائه تعریفی مضیق از حقوق عامه است که همین مفهوم مضیق نیز حوزه‌های متعددی را دربر می‌گیرد. ابهام موجود در معنای حقوق عامه مستلزم آن است که قوه قضائیه در راستای وظیفه قانونی خود، اقدام به تبیین مفهومی آن از طریق طریق لایحه قضائی قانون‌گذاری کند.

۱-۲- مفهوم سیاست جنائی مشارکتی

سیاست جنائی^۱ مشارکتی یک سیاست جنائی همراه با مشارکت جامعه مدنی است و در آن به بررسی و مطالعه جایگاهی که در سیاست جنائی کشور به جامعه مدنی و از طریق اعطای نقش به بزه‌کار و بزه‌دیده و به‌ویژه کل جامعه (مردم، نهادهای اجتماعی و غیردولتی) داده شده است، پرداخته می‌شود (دل‌ماس، ۱۳۸۱: ۸۳؛ رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). سیاست جنائی مشارکتی به دو گونه کُنشی،

۱. سیاست جنائی، شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که حیات اجتماع با توسل به آن‌ها، پاسخ‌های پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷).

یعنی پیشگیرانه و واکنشی یعنی پاسخ‌گو قابل تقسیم است. در نوع اول آن پیش از اینکه جرمی اتفاق بیفتد، دخالت مردم و نهادهای جامعه قابل مشاهده است و از ظرفیت‌های آن برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می‌شود (بیرانوند و سبزیان‌فرد، ۱۳۹۷: ۳). در سیاست جنائی مشارکتی واکنشی هدف دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرایند کیفری پس از وقوع جرم است. در این رویکرد دیگر نهاد عدالت کیفری تنها مرجع پاسخ‌گویی و حل اختلاف نیست، بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و جامعه نیز در این زمینه استمداد می‌شود (شیعه علی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۸۷). سیاست جنائی مشارکتی در سه سطح تقنینی، قضائی و اجرائی ظهور پیدا می‌کند. در سطح تقنینی شرکت دادن نهادهای مردمی در فرایند تهیه و تنظیم پیش‌نویس قانونی مطرح می‌شود. در سطح قضائی مشارکت مردم به شکل حضور در جلسات دادرسی علنی، در هیئت‌های منصفه مردمی در دادگاه‌های ویژه جرائم مطبوعاتی و حضور مشاوران مردمی در دادگاه‌های خانواده و اطفال، نمود پیدا می‌کند. در این پژوهش برآنیم تا ظرفیت‌های نظام قانونی ایران در سطوح مختلف سیاست جنائی مشارکتی را در بهره‌گیری از نهادهای مردم‌نهاد، مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۳- مفهوم سازمان مردم‌نهاد

اصطلاح سازمان مردم‌نهاد توسط فرهنگستان زبان فارسی به‌عنوان معادل اصطلاح لاتین «نان گاورمنتال اورگانیزیشن» برگزیده شده و مخفف آن سمن است (بابایی و صفایی، ۱۳۹۳: ۸۱). بند الف ماده ۱ آئین‌نامه اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۹ این سازمان‌ها این‌گونه تعریف می‌کند: «به تشکلهایی گفته می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به‌صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی است».

سازمان‌های غیردولتی در حقوق ایران از شخصیت حقوقی برخوردار بوده و از آغازین قوانین موجود در حقوق نوین ایران به این امر اشاره شده است. حقوق ایران همانند حقوق فرانسه تأمین سازمان‌های غیردولتی را به‌صورت «ارادی» و برای اهداف غیرتجاری شناسایی کرده است و رسمیت تشکیل آن‌ها را منوط به ثبت در مراجع رسمی نموده است (مقیمی، ۱۳۸۳: ۳۰).

قوانین و مقررات زیادی در نظام حقوقی ایران وجود دارد که در آن‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از مشارکت و فعالیت سمن‌ها سخن به‌میان آمده است، از جمله اصل ۲۶ قانون اساسی که تشکیل و فعالیت احزاب و انجمن‌ها را به رسمیت می‌شناسد. ماده ۵۸۴ قانون تجارت، آئین‌نامه

ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب ۱۳۳۷، قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ و آئین‌نامه اجرایی آن، مقرراتی هستند که در راستای اجرای مفاد اصل ۲۶ قانون اساسی تدوین شده‌اند. همچنین قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، لایحه پیشگیری از وقوع جرم، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸ و قانون آئین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ و در نهایت آئین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد مصوب ۱۳۹۵ وزیران (که در حال حاضر نیز بر تأسیس این سازمان‌ها حاکم است)، از جمله مهم‌ترین این قوانین هستند.

قوانین مذکور بیانگر آن است که قانون‌گذار سمن‌ها را به‌عنوان یک سازوکار حقوق بشری مورد شناسایی قرار داده است.

۲- مشارکت سمن‌ها با ساختارهای موجود در دستگاه قضائی

از جمله ابزارهای دستگاه قضائی در احیای حقوق عامه کارآمدسازی و بهره‌گیری از ساختارهای موجود در دستگاه قضائی است. استفاده از ظرفیت‌های مردمی در کمک به انجام وظایف و تأمین نیازهای ساختارهای مذکور، عامل مؤثری در کارآمدسازی آن‌ها خواهد بود. در نظام حقوق کیفری ایران، سمن‌ها به‌دلیل ساختار اجتماعی خود، امکان پیگیری جدی‌تر حقوق و آزادی‌های مشروع را دارند و سرمایه‌های اجتماعی توانمندی هستند که می‌توانند نسبت به احقاق و احیای حقوق عامه منشأ اثر شوند و در راستای تأمین نیازهای دستگاه قضائی و در الگوی احیای حقوق عامه به‌همان میزان، ساختارهای رسمی دارای اهمیت و کارکرد باشند (غمامی، ۱۳۹۷: ۸۸). بنابراین قوه قضائیه به‌عنوان متولی اصلی سیاست‌گذاری جنائی مشارکتی و مرجعی که تکلیف اصلی احیای حقوق عامه برعهده آن است، باید از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی در تحقق این وظیفه استفاده کند.

نکته اساسی و مهم در بهره‌گیری از مشارکت جامعه مدنی، آن است که این بهره‌گیری باید به‌صورت واقعی باشد، نه نمایشی. از جمله حرکت‌هایی که چندین سال است در کشورهای مختلف برای واقعی کردن این مشارکت انجام پذیرفته است، بهره‌گیری سیاست‌گذاران جنائی در این کشورها در امر سیاست‌گذاری از مشورت با مردم عادی است، به‌ویژه مردمی که در مناطقی که در آن آمار جرم بالاست، زندگی می‌کنند. این مشارکت در تدوین سیاست جنائی‌ای که بتواند پاسخ منطقی به خشونت و نرخ سریع افزایش جرم مؤثر خواهد بود (Johnstone, 2000:161).

شناسایی حقوق و آزادی‌های مشروع، پیگیری آن‌ها، گسترش عدل از طرقی چون کشف به‌موقع و پیگیری جرائم و نظارت بر اجرای صحیح قوانین، از جمله موضوعاتی است که امکان مشارکت سمن‌ها با ساختارهای موجود در دستگاه قضائی وجود دارد.

قوه قضائیه ساختارهای متعددی را در احیای حقوق عامه در اختیار دارد. محاکم دادگستری، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، دادستانی کل کشور، ستاد حقوق بشر از جمله مهم‌ترین این ساختارها هستند. در ادامه مباحث به بررسی ظرفیت سمن‌ها در تعامل با این ساختارها خواهیم پرداخت.

۱-۲- سمن‌ها و ستاد حقوق بشر: مشارکت در شناسایی و پیگیری حقوق و آزادی‌های مشروع

نهادهای ملی حقوق بشر تأسیسی دولت نهاد هستند که با ترکیب غیردولتی وظیفه نظارت بر حکومت را دارند و با هدف حمایت از حقوق بشر ایجاد می‌شوند. از جمله اعضای این نهادها سازمان‌های غیردولتی هستند. ایران نیز به ایجاد نهاد ملی حقوق بشر مطابق با اعلامیه پاریس تعهد داده است. در حال حاضر در جمهوری اسلامی ایران نهادهایی هستند که از لحاظ شرح وظایف نهادهای ملی حقوق بشر شباهت دارند^۱ لکن از لحاظ ساختاری و اصول تشکیل نهاد کاملاً منطبق با اصول مندرج در اعلامیه پاریس نیستند و برای آنکه نهاد ملی محسوب شوند نیازمند اصلاح ساختار قانونی هستند. ستاد حقوق بشر^۲ از جمله نهادهای ملی مذکور است که فعال در حوزه حقوق بشر است و از لحاظ صلاحیت‌ها و وظایف مشابه نهادهای ملی است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۴۶). اما نهاد مذکور به دلیل ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت مسئولان حکومتی مانند وزیر امور خارجه، وزیر دادگستری، وزیر کشور، دادستان کل کشور و رئیس سازمان زندان‌ها در آن، از لحاظ ساختار قانونی قابلیت انطباق با شرایط اصول پاریس به لحاظ مردمی بودن را ندارد. از این رو باید ضمن اعلام نقش مشورتی برای مقامات دولتی عضو ستاد، از طریق اصلاح ماده ۲ آئین‌نامه ستاد حقوق بشر سازمان‌های مردم‌نهاد به ترکیب اعضای اصلی ستاد مذکور اضافه شود و قوه قضائیه را در اجرای وظایفی که قانون اساسی به عهده این قوه نهاده است در (گسترش عدل و آزادی‌های مشروع) و بررسی اشکالات و ادعاهای مربوط به نقض حقوق ملت در داخل یاری رسانند.

۲-۲- سمن‌ها و سازمان بازرسی کل کشور: مشارکت در کشف و پیگرد جرائم و نظارت بر اجرای قوانین

۱. نهادهای با کارویژه مشابه عبارت‌اند از: کمیسیون حقوق بشر اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، ستاد حقوق بشر و ستاد امر به معروف و نهی از منکر.

۲. این ستاد با پیشنهاد رئیس وقت قوه قضائیه پس از طرح و بررسی در شورای عالی امنیت ملی و نهایتاً با تصویب مقام معظم رهبری به سرانجام رسید و در سال ۱۳۸۱ آغاز به کار کرد. این ستاد به موجب اصل ۱۵۶ به منظور هماهنگی سازمانی به منظور احیای حقوق عامه تشکیل شده است.

همان‌گونه که بیان شد، سیاست جنایی مشارکتی در سطوح مختلف تقنینی، قضائی و اجرایی نمود پیدا می‌کند. ازجمله اهداف این سیاست‌ها در سطح اجرایی، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مردمی در کشف و پیگرد جرائم و نظارت بر اجرای قوانین است. بهره‌گیری از چنین ظرفیتی می‌تواند از سوی دستگاه‌های بازرسی و نظارتی صورت پذیرد. از آنجایی که سوء مدیریت و فساد اداری و مالی در دستگاه‌های اداری و اجرایی عامل مؤثری در ایجاد نارضایتی میان مردم و ازجمله عواملی است که موجب نقض حقوق عامه افراد می‌شود، بهترین روش مبارزه با بی‌قانونی و سوء جریان در اداره امور کشور و مؤثرترین تدبیر برای پیشگیری از بروز جریان ناسالم اداری، وجود نظارت مستمر و ایجاد نهادهای خاص نظارتی در کشورها است که تضمین‌کننده سلامت دستگاه‌های اداری و دولتی است (فلاح‌زاده و زارعی، ۱۳۹۲ : ۱۲۷). سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان یکی از سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه در این زمینه نقش اساسی دارد و وظیفه آن نظارت بر دستگاه‌های اداری به‌منظور اجرای صحیح قوانین است. اعلام نقض قوانین و مقررات و شکایت از دستگاه‌های اجرایی به این سازمان، ازجمله ظرفیت‌های سمن‌ها در احیای حقوق عامه است. در تبصره ۲ ماده ۲ و بند الف ماده ۱۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی، امکان شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد آئین‌نامه، تصویب‌نامه، بخش‌نامه و دستورالعمل‌های صادره از مراجع دولتی است و نیز امکان بهره‌گیری از توان تشکل‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و اشخاص واجد شرایط در بخش‌های علمی، تخصصی، صنفی و مردمی به‌منظور انجام وظایف محوله پیش‌بینی شده است. بنابر این سازمان مذکور می‌تواند در اجرای بند اخیرالذکر و ماده ۵۵ آئین‌نامه اجرایی این قانون، اخبار و اطلاعات و گزارش‌های نهادهای مردمی را مبنای بررسی و بازرسی قرار داده و در صورت احراز تخلف یا جرم، حسب مورد، موضوع را به مراجع ذیصلاح ارجاع کند. سازوکار پیش‌بینی شده در دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه در صورت اجرای مناسب، می‌تواند به‌خوبی از ظرفیت نهادهای مردمی در این زمینه استفاده کند و از این طریق زمینه احیای حقوق عامه بیش از پیش فراهم شود. بدین‌صورت که دادستان‌ها از طریق سامانه جامع، گزارش‌های نهادهای مردمی را پیش و پس از وقوع تخلف و جرم دریافت کرده و درخصوص گزارش‌های نهادهای مردمی پیش از وقوع تخلف و جرم، پس از بررسی میزان اعتبار گزارش‌های مذکور، برای کاهش احتمال وقوع تخلفات و جرائم، مراتب را به دستگاه‌های مربوط ارجاع و پیگیری کنند و درخصوص گزارش‌های نهادهای مردمی مربوط به وقوع تخلف و جرم، پس از بررسی اولیه گزارش‌های مذکور، موارد مرتبط با وظایف سازمان بازرسی کل کشور را به آن سازمان ارجاع دهند.

در سند تحول قضائی ابلاغی ۱۳۹۹ رئیس قوه قضائیه از جمله نواقص نظام فعلی نظارتی کم‌توجهی به بهره‌مندی از سایر ظرفیت‌های نظارتی چون استفاده از ظرفیت‌های مردمی مطرح شده است که راهکار آن ترغیب اشخاص به گزارش‌دهی از تخلفات، جرائم و سوء جریانات اداری و مالی دستگاه‌های موضوع قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور از طریق تأمین امنیت مادی و معنوی، حفظ محرمانگی هویت، طراحی نظام انگیزشی متناسب برای گزارشگران با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و توسعه سامانه گزارش‌دهی مردمی و احصای دقیق و شفاف مصادیق و تعیین حدود مداخله برای گزارش‌دهی بیان شده است.

با عنایت به مطالب مذکور، روشن است که از لحاظ مبنای قانونی امکان بهره‌گیری سازمان بازرسی از ظرفیت سمن‌ها در امر نظارت و بازرسی وجود دارد و موانع ساختاری و قانونی در حال حاضر وجود ندارد، لکن محقق ساختن این مشارکت نیازمند توجه و عزم مدیران سازمان است. چنانچه قائم‌مقام وقت سازمان بازرسی کشور به‌عنوان عضو کارگروه ملی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه^۱ در نخستین جلسه کارگروه ملی مذکور که در شهریورماه سال ۱۳۹۹ برگزار شده است، بیان داشته است بهره‌گیری از این امکان با جدیت در دستور کار سازمان قرار گرفته و سازمان خود را به‌لحاظ قانونی مکلف به استفاده از نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد و اشخاص حقیقی واجد شرایط می‌داند تا بتواند به وظیفه خود که نظارت بر حسن جریان امور و نظارت بر اجرای صحیح قانون است، بپردازد. در این زمینه، انجام کار پژوهشی در راستای چگونگی فعال‌سازی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در امر نظارت و بازرسی در دستور کار سازمان قرار گرفته است (شفیعی، ۱۳۹۹).

راه‌اندازی سامانه «مشارکت‌ها»^۱، گام مؤثری در تعامل سازمان با سمن‌ها هستند که سمن‌ها می‌توانند با ثبت نام در این سامانه در ایجاد بانک اطلاعاتی قوه در بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها در موضوعات مختلف که از جمله آن‌ها نظارت بر اجرای قوانین از طریق ارائه گزارش به سازمان است، کمک کنند. شایان ذکر است این ساختار و سازوکار پیش‌بینی شده، در صورتی می‌تواند کارایی لازم را داشته باشد که موانعی چون سخت‌گیری در احراز صلاحیت سمن‌ها و اعمال نظرات سلیقه‌ای در استفاده از مشارکت سمن‌ها در میان نباشد، ضمن اینکه لازم است اطلاع‌رسانی دقیقی به سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در کل کشور در خصوص ایجاد سازوکار مشارکت با قوه قضائیه در

۱. سامانه‌ای است که از سوی اداره کل مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی قوه قضائیه راه‌اندازی شده است و در آن سمن‌ها ثبت نام کرده و به‌طور مختلف با قوه همکاری می‌کنند.

عرصه‌های مختلف که از جمله آن‌ها امور مربوط به احیای حقوق عامه است، صورت پذیرد. ترغیب اشخاص به گزارش‌دهی از تخلفات، جرائم و سوء جریان‌های اداری و مالی دستگاه‌های موضوع قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، طراحی نظام انگیزشی متناسب برای گزارشگران با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط در کنار حفظ محرمانگی هویت و تأمین امنیت مادی و معنوی سمن‌ها و احصای دقیق و شفاف مصادیق و تعیین حدود مداخله برای گزارش‌دهی از دیگر اقداماتی است که باید از سوی دستگاه قضائی مورد توجه قرار گیرد و سازوکار مناسبی برای اجرای آن تدارک دیده شود.

۲-۳- سمن‌ها و دیوان عدالت اداری: مشارکت در سیاست‌گذاری قضائی و نظارت بر اجرای قانون

بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در جلوگیری از اجرای مصوبات مخالف قانون و امکان طرح شکایت از تصمیمات نهادهای عمومی و درخواست ابطال مقررات خلاف قانون از دیگر روش‌های مورد استفاده در سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه است. در نظام حقوقی ایران، به‌موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی، قضات دادگاه‌ها مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. در سند تحول قضائی فراهم‌سازی امکان اعلام جرم نهادهای مردمی با افزودن مصادیق شناسایی شده به مصادیق مجاز برای اعلام جرم توسط نهادهای مردمی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و توسعه سامانه گزارش‌دهی مردمی برعهده دیوان عدالت گذاشته شده است. از این‌رو با توجه به اصل مزبور و تأکید سند تحول قضائی و با عنایت به قانون دیوان عدالت اداری، سازمان‌های مردم‌نهاد در صورت داشتن سمت و ذی‌نفع بودن حق شکایت از تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی در دیوان عدالت اداری را دارا هستند. همچنین چنانچه اعتراضی نسبت به مصوبات دولت داشته باشند، حق درخواست ابطال این‌گونه مقررات را از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خواهند داشت (لسانی و مشهدی، ۱۳۹۷: ۱۴۳). این ظرفیت به‌خصوص در رابطه با مصوبات مربوط به محیط زیست قابلیت، اجرا و استفاده را خواهد داشت.^۱

صدور آراء وحدت رویه در خصوص موضوعات مذکور می‌تواند از جمله اثرات مشارکت نهادهای مردمی در سیاست‌گذاری قضائی مشارکتی تلقی شود.

۱. مانند رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۴۰۹ مورخ ۸۲/۱۰/۱۴ مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۴۲۱/۴۷۱۳۳ وزارت نیرو در مورد لزوم صیانت از منابع آبی کشور.

در راستای بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت نظارتی سمن‌ها، لازم است امکان اعلام گزارش اشخاص نسبت به غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظایف دستگاه‌های موضوع قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری در موضوعات حقوق عامه با حفظ محرمانگی هویت فراهم شود و ضمن تأمین امنیت مادی و معنوی سمن‌ها، نظام انگیزشی متناسب برای گزارشگران با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط طراحی شود. آموزش عمومی سمن‌ها و تعیین حدود مداخله برای گزارش‌دهی از جمله سایر اقداماتی است که می‌تواند در تحقق این هدف راهگشا باشد.

۳- مشارکت سمن‌ها در تعقیب کیفری

سازمان‌های مردم‌نهاد با داشتن کارکردهای متعدد در سطح سیاست جنائی اجرائی که بخشی از آن مرتبط با اقدامات در مرحله کشف، تعقیب دادرسی و اجرای حکم است نقش ایفا می‌کنند. در این بخش از پژوهش، به بررسی ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح سیاست جنائی مشارکتی اجرائی خواهیم پرداخت.

۳-۱- مبانی مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی

از زمان به جریان افتادن اقدامات تعقیبی تا اجرائی شدن مجازات یا هر نوع واکنش به بزه و بزه‌کار، مراحل مختلفی طی می‌شود. این مراحل که به آن فرایند کیفری می‌گویند، شامل تعقیب، تحقیق، دادرسی و اجرای مجازات است. حضور سمن‌ها در فرایند کیفری ناشی از گرایش به‌سوی سیاست جنائی مشارکتی است، یکی از دلایل چنین گرایشی به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری مربوط می‌شود، زیرا با کاربست صرف سازکارهای دولت محور قادر به پاسخ‌گویی و مقابله با پدیده‌های مجرمانه نخواهیم بود. تجربه این نهادها در زمینه‌های گوناگون ایجاب می‌کند تا از ظرفیت آن‌ها در تمام مراحل قبل، حین و بعد از دادرسی استفاده شود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی به‌طورکلی بر سه مبنای توجیه و تبیین می‌شود. نخستین دلیل حمایت و کمک به بزه‌دیدگان است. دومین توجیه، حمایت از منافع عمومی جامعه و تعقیب و پیگیری جرائم در جامعه است و سومین توجیه براساس تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر موضوع اصل ۸ قانون اساسی می‌باشد.^۱

۱. حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل دستگاه مقتدر دولت ایجاب می‌کند تا نهادهای مردمی بتوانند ایفاگر نقش‌های مختلف «رقیب» یا «همکار» دولت‌ها باشند. این سازمان‌ها درخصوص مسائلی چون بهداشت، توسعه و محیط زیست بیشتر به مثابه همکار دولت‌ها ظاهر می‌شوند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

۳-۱-۱- حمایت و کمک به بزه‌دیده

امروزه بزه‌دیده، در جرائم حق الناسی از جایگاه نسبتاً مناسبی برخوردار است. در گذشته عمده توجه به متهم و پاسداشت حقوق وی معطوف بود و بزه‌دیده کمتر مورد توجه واقع می‌شد. امروزه این باور در حقوق کیفری حاکم است که در تمامی بخش‌ها و اجزای فرایند دادرسی کیفری، باید با وضع قواعد مناسب از حقوق بزه‌دیده به‌عنوان شخصی آسیب‌پذیر، حمایت به‌عمل آید و تحت تأثیر این رویکرد، دانشی جدید با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی» تولد و رشد پیدا کرد (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۷۹: ۱). بر مبنای سیاست جنایی مشارکتی، حمایت از بزه‌دیدگان بدون توسل به مشارکت عامه مردم و جامعه مدنی به هیچ روی امکان‌پذیر نخواهد بود (بیرانوند و سبزیان‌فرد، ۱۳۹۷: ۲). زیرا جامعه نمی‌تواند نسبت به حقوق از دست رفته بزه‌دیده ساکت و منفعل باقی بماند. یکی از مهم‌ترین راه‌های مشارکت جامعه در این مسیر، اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی با تأکید بر ایجاد، تقویت، سازماندهی و دخالت دادن سازمان‌های غیردولتی با هدف پیگیری حقوق بزه‌دیده است. بر همین اساس امروزه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای اندیشه نوین بزه‌دیده‌شناختی در حقوق کیفری و اندیشه سیاست جنایی مشارکتی پیش‌بینی شده است (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۴).

حمایت از بزه‌دیدگان هم یکی از عرصه‌های است که سازمان‌های مردم‌نهاد از هم‌اوردی با آغاز فعالیت خود بدان پرداخته‌اند. البته در دهه‌های پایانی قرن بیستم به‌شکلی گسترده‌تر و تخصصی‌تر می‌توان بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد را مشاهده کرد که حمایت از بزه‌دیدگان را به‌عنوان موضوع انحصاری فعالیت خود انتخاب کرده‌اند و در این حوزه به موفقیت‌های زیادی نائل گشتند. سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً یک مشاوردهنده ساده به بزه‌دیدگان برای احقاق حقوق از دست رفته است، از دست رفته‌شان نیست، بلکه به‌عنوان کنشگری فعال که می‌توانند در فرایند عدالت از جمله فرایند عدالت کیفری وارد گشته و به حمایت از بزه‌دیده پردازند شناخته می‌شوند (بیرانوند و سبزیان‌فرد، ۱۳۹۷: ۱۵).

در این زمینه چنانچه در ماده ۲۰ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه تأکید شده است، قضات و ضابطان دادگستری می‌توانند به‌منظور حمایت از بزه‌دیدگان خاص در فرایند کیفری امکان ارائه خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و حمایتی از سوی نهادهای مردمی را در مواردی چون چگونگی طرح شکایت و پیگیری آن در نهادهای انتظامی و قضائی، مساعدت به

بزه‌دیده در زمینه جمع‌آوری دلایل به منظور اثبات بزه‌دیدگی و تعیین میزان ضرر و زیان وارده^۱، چگونگی مطالبه ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول و پیگیری^۲، مطلع ساختن بزه‌دیدگان نسبت به حقوق قانونی خود در فرایند دادرسی^۳، آگاه ساختن بزه‌دیدگان نسبت به حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و کمک به جبران خسارات بزه‌دیدگان در صورت ناتوانی مرتکب و مساعدت و همکاری در شناسایی و بازگرداندن اموال و اشیای مکشوفه به بزه‌دیدگان^۴ و در نهایت همراهی بزه‌دیده و شهود در جلسات رسیدگی و مواجهه حضوری با متهم فراهم آورند.

شایان ذکر است، اسناد و قوانین دیگری نیز وجود دارد که به موضوع حمایت از زیان‌دیده با استفاده از ظرفیت سمن‌ها پرداخته است. سند تحول قضائی ابلاغی ۱۳۹۹ رئیس قوه قضائیه از جمله اسناد مهم در این زمینه است که بهره‌مندی از ظرفیت سمن‌ها در حوزه‌های مختلف احیای حقوق عامه را مورد تأکید قرار داده است. در این سند با بیان بیش از بیست راهکار دستگاه قضائی بر جلب مشارکت نهادهای مردمی در ارائه خدمات نظیر صیانت از حقوق عامه، پیشگیری و مقابله با فساد، میانجی‌گری، صلح و سازش، حمایت از بزه‌دیدگان و بااجتماعی شدن مجرمان با شناسایی و فعال‌سازی زمینه‌های موضوعی بهره‌مندی از ظرفیت‌های مردمی متناسب با اقتضائات سند تحول تأکید شده است.

سند امنیت قضائی ابلاغی ۱۳۹۹ رئیس قوه قضائیه از دیگر اسنادی است که بر همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد در بااجتماعی کردن محکومان اشاره کرده است. در مباحث بعدی به تفصیل بیان خواهد شد که سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی در کمک به مراجع قضائی در بااجتماعی کردن محکومان دارند.

بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص الزام دادرها و دادگاه‌ها و ضابطان دادگستری به پذیرش مستقیم شکایات مردم مورخ ۹۹/۱۱/۱۳ از جمله مقرراتی است که در راستای تسهیل ثبت شکایات کیفری، مراجع قضائی و ضابطان دادگستری و مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه را مکلف به پذیرش و ثبت کلیه شکایات شفاهی یا کتبی به صورت همه وقت شده‌اند.

۱. موضوع مواد ۶۲ و ۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری

۲. موضوع ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری

۳. موضوع ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری

۴. موضوع مواد ۱۴، ۳۸ و ۱۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری

با توجه به اهمیت صلح و سازش و نقش آن در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی و با توجه به تکلیف مقرر در ماده ۱۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مبنی بر سعی و تلاش در جهت ایجاد صلح و سازش بین طرفین از سوی رئیس قوه قضائیه، بخشنامه درخصوص اهمیت صلح و سازش و نقش آن در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی مورخ ۱۳۹۸/۵/۳۱ ابلاغ شد و به موجب آن دادستان‌ها و دیگر مقامات قضائی ملزم شدند درخصوص جرائم مذکور در بخشنامه پرونده را به منظور میانجی‌گری و ایجاد صلح و سازش به شورای حل اختلاف ارسال کنند، هرچند در این بخشنامه سخنی از مشارکت سمن‌ها در ایجاد صلح و سازش به میان نیامده است، لکن با توجه تاکید سند تحول قضائی بر استفاده از ظرفیت سمن‌ها در ایجاد صلح و سازش، شورای‌های مذکور می‌توانند از کمک سمن‌های فعال در این حوزه بهره بگیرند. همچنین با توجه به تأکید بخشنامه اخیرالذکر بر تکلیف معاونت منابع انسانی قوه قضائیه بر برگزاری دوره‌های ویژه مهارت‌گفت‌وگو و حل مسئله با استفاده از اساتید مجرب برای اعضای شوراها، سمن‌ها می‌توانند در برگزاری این دوره‌ها کمک کنند.

آئین‌نامه اجرائی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضائیه و دستورالعمل واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیکی زندانیان ۱۳۹۸/۴/۲ از جمله دیگر مقرراتی است که در آن مشارکت بخش خصوصی پیش‌بینی شده است، بدین صورت که واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیکی با رعایت قوانین و مقررات به بخش خصوصی (شخص حقوقی حقوق خصوصی اجراکننده طرح) بلا مانع اعلام شده است. بنابراین امکان نقش‌آفرینی نهادهای مردمی در اعمال شیوه‌های ترمیمی در دادرسی و استفاده اثربخش از نهادهای ارفاقی وجود دارد و سمن‌ها می‌توانند در اجرای آئین‌نامه مذکور با قوه قضائیه مشارکت داشته باشند.

اما در کنار قوانین و مقررات حمایتی از بزه‌دیده، در نظام حقوقی ایران نهادهای مختلفی نیز وجود دارد که با هدف کمک به بزه‌دیده ایجاد شده‌اند. صندوق تأمین خسارت‌های صدمات بدنی و ستاد دیه از جمله این نهادها هستند.

صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از جمله نهادهایی است که در راستای جبران خسارات وارد به زیان‌دیدگان در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ایجاد شده است. این صندوق در مواردی که امکان جبران خسارت بدنی زیان‌دیده از طریق سیستم بیمه وجود ندارد، خسارت بدنی آنان را جبران می‌کند. از جمله اهداف این صندوق که یک نهاد عمومی غیردولتی است، حمایت مالی از رانندگان و دارندگان خودرو مسئول حادثه و خانواده‌های آن‌ها که اغلب از اقشار کم‌درآمد جامعه هستند و جلوگیری از زندانی شدن سرپرست خانواده به جهت عدم توانایی در پرداخت دیه زیان‌دیده تسریع در

دادرسی و کمک‌رسانی سریع به زیان‌دیدگان اورژانسی است. هرچند صندوق یک سازمان مردم‌نهاد محسوب نمی‌شود، لکن بررسی اساسنامه صندوق در خصوص منابع مالی صندوق بیانگر آن است که امکان تأمین منبع از کمک‌های اعطایی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی^۱ وجود دارد. از این رو سازمان‌های مردم‌نهادی که در راستای کمک به بزه‌دیدگان تشکیل می‌شوند، می‌توانند در تأمین بخشی از منابع مالی صندوق نقش ایفا کنند و به‌عنوان واسطه در ارسال کمک‌های مردمی به صندوق نیز عمل کنند.

ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند که به اختصار ستاد دیه کشور نامیده، نهاد دیگر حامی بزه‌دیدگان است که از سال ۱۳۶۹ به‌عنوان یک مؤسسه خیریه غیرتجاری- غیرانتفاعی و مردم‌نهاد تأسیس شده است. هرچند از لحاظ تاریخی و ماهوی ستاد دیه یک نوع سازمان مردم‌نهاد محسوب می‌شود، لکن از لحاظ ساختاری و تشکیلاتی، عضویت رئیس سازمان زندان‌ها به‌عنوان عضو هیئت امناء و به‌عنوان عضو اصلی هیئت مدیره و نیز ترکیب اعضای هیئت امناء نمایندگی‌های ستاد در استان‌ها که شامل هیئت امنایی مرکب از رئیس کل دادگستری، مدیرکل کمیته امداد امام (ره) و مدیرکل زندان‌های استان به‌عنوان اعضاء ثابت است، بیانگر آن است که نمی‌توان این سازمان را یک سازمان مردم‌نهاد به‌معنای واقعی دانست. بررسی منابع مالی ستاد که در اساسنامه آن پیش‌بینی شده است نیز بیانگر امکان پرداخت کمک بلاعوض دولت یا نهادهای دولتی به ستاد دیه است و سالانه مبالغ قابل توجهی از سوی مقامات دولتی به‌عنوان کمک به این ستاد پرداخت می‌شود.

۱-۲-۳- حمایت از منافع عمومی جامعه و تعقیب و پیگیری جرائم در جامعه

در جرائم حق‌اللهی علاوه بر بزه‌دیدگان احتمالی، جامعه نیز دارای حق واکنش مناسب قلمداد می‌شود، زیرا این چنین فرض می‌شود که جامعه نیز از پیامدهای ناشایست و ناگوار این‌گونه جرائم آسیب می‌بیند و بدین ترتیب حق پیگیری جرم را پیدا می‌کند. شایان ذکر است که در غیر جرائم حق‌الناسی که تعقیب مجرم منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در غیر جرائمی که جنبه شخصی آن‌ها غالب است و مردم توصیه به پنهان داشتن آن‌ها شده‌اند، مردم عادی می‌توانند نقش مهمی در اعلام وقوع جرم به مراجع ذی‌صلاح تعقیب و رسیدگی ایفا کنند (مجتهد سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶ : ۹۶). بنابراین مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان یکی دیگر از مبانی حضور سمن‌ها در فرایند کیفری دانست که موجب شده است به‌موجب قانون حق اعلام جرم در خصوص جرائم مربوط به حوزه فعالیت‌شان را داشته باشند.

۱. بند ح ماده ۱۹ اساسنامه صندوق تأمین خسارات صدمات بدنی مصوب ۱۳۹۷/۲/۱۶ هیئت وزیران.

۳-۱-۳- تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر موضوع اصل ۸ قانون اساسی

قانون اساسی در اصل هشتم مقرر می‌دارد: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

نظارت مردم نسبت به نهادها و مقامات دولتی عام و در همه موارد است. براساس بند هشتم اصل سوم قانون اساسی دولت ملزم به زمینه‌سازی همه‌جانبه برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است. این امر نشان می‌دهد که نظارت بر دولت در قلمرو بسیار گسترده‌ای مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون و حق مردم برای اظهار نظر هم نسبت به عملکرد دولتمردان و هم نسبت به قوانین و مقررات به رسمیت شناخته شده است (جوان‌آراسته، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۷). به موجب ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.

بنابراین در یک جامعه اسلامی، احساس تکلیف شرعی انگیزه مضاعفی ایجاد می‌کند تا شهروندان، سهم خود را در سرکوب جرم و مجرم (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۲۱) و استیفای حقوق و آزادی‌ها ایفا کنند و سمن‌ها در انجام این تکلیف شرعی از ظرفیت بالایی برخوردارند و قوه قضائیه باید در راستای تشکیل سمن‌هایی در راستای اجرای اصل ۸ قانون اساسی تلاش کند.

ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ در همین زمینه مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده می‌توانند مطابق ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اقدام کنند».

استفاده از ظرفیت مذکور در ماده ۳۰ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مورد تأکید قرار گرفته است و نهادهای مذکور از حق اعلام جرم و شرکت در فرایند دادرسی با رعایت الزامات مندرج در دستورالعمل اخیرالذکر برخوردار شده‌اند.

علی‌رغم وجود قوانین و مقررات فوق‌الذکر از زمان تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تا تیرماه ۱۳۹۹ هیچ سمن تخصصی امر به معروف و نهی از منکر در وزارت کشور به ثبت نرسیده است (صدور مجوز برای امر به معروف و نهی از منکر نافی حق شرعی همگانی نیست، ۱۳۹۹) و این به دلیل سازوکار پیچیده و سخت در اعطای مجوز به سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت کشور است. مسئله دیگری که در رابطه با حق اعلام جرم و شرکت در فرایند دادرسی سمن‌های تخصصی امر به معروف مطرح است، آن است که با توجه به اهمیت این فریضه شرعی و تشویق عموم افراد جامعه به انجام این مهم، ضرورت حمایت و اختصاص شعب ویژه امر به معروف و نهی از منکر در دادگاه‌ها به این‌گونه پرونده‌ها با توجه به اهمیت آن است. در این زمینه اختصاص وکیل رایگان به سمن‌هایی که به‌عنوان شاکی طرح دعوا می‌کنند نیز نقش مؤثری در تعامل دستگاه قضائی با سمن‌های تخصصی امر به معروف خواهد داشت.

با توجه به اینکه از جمله چالش‌های جدی اجرای قانون مذکور، ضعف حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و مطالبه‌گران در اجتماع می‌باشد، پیشنهاد می‌شود تا اصلاح قانون مذکور نیروی انتظامی در مواردی که به دنبال امر به معروف و نهی از منکر نزاعی ایجاد می‌شود، گزارش تنظیمی را بر مبنای علت ایجاد نزاع و درگیری که امر به معروف بوده است، تنظیم کند، نه صرف اعلام درگیری.

۴- نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت در تعقیب کیفری

فعالیت سمن‌ها در دادرسی در دو قالب مداخله مستقیم و غیرمستقیم قابل بررسی است. در مداخله مستقیم این سازمان‌ها خود قربانی نقض یکی از حقوق نهادینشان شده‌اند؛ درحالی‌که در مداخله غیرمستقیم، اساسنامه و یا مقررات دیگر امکان چنین مداخله‌ای را فراهم کرده‌اند. پس در این صورت، قربانی می‌تواند از حمایت و مشاوره این سازمان‌ها بهره‌مند شده و زمینه مشارکت آن‌ها در شکل نهاد یار یا دوست دادگاه فراهم شود. استفاده از نهاد یار یا دوست دادگاه^۱ را معمولاً برای دفاع از منافع عامه مناسب می‌دانند؛ و از این منظر سازمان‌های مردم‌نهاد دارای یک وضعیت ویژه

۱. در نظام کامن‌لا نهادی به نام یار یا دوست دادگاه وجود دارد که براساس آن مراجع قضائی از یک شخص دعوت به عمل می‌آورند تا اطلاعات و مشاهدات خاص خود را به‌منظور روشن شدن موضوع و یافتن راه‌حل، در اختیار آن مراجع بگذارد. چنین دعوتی از سمن‌ها یا رأساً توسط مقام رسیدگی‌کننده یا طرفین دعوا به‌عمل می‌آید و یا اینکه خود سمن‌ها و در راستای حمایت از منافع و حقوق عامه درخواست حضور در دادرسی به‌عنوان دوست یا یار دادگاه می‌کنند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

هستند و قادرند براساس منافع عامه یا دفاع از قربانی نقض حقوق بشر وارد عمل شوند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۶ آئین‌نامه اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴ هیئت وزیران به مداخله مستقیم سمن‌ها اشاره می‌کند. بنا بر ماده مذکور «سازمان حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی، علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضائی اقامه دعوا کند».

براساس این ماده، سازمان‌های غیردولتی مجاز خواهند بود که براساس موضوع فعالیت خود در مراجع قضائی نسبت به اقامه دعوا مبادرت کنند. پذیرش حق دادخواهی سمن‌ها در این آئین‌نامه در کنار تدوین قانون دادرسی آئین کیفری و پیش‌بینی چنین حقی در آن بیانگر فاصله گرفتن از رویکرد انحصارگرا تعقیب دعوای عمومی توسط دادستان به سمت پذیرش نسبی حضور سمن‌ها در فرایند کیفری است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

در پی تدوین قانون آئین دادرسی ۱۳۹۲ کیفری، قانون‌گذار در ماده ۶۴ جهات شروع به تعقیب را بیان می‌کند که در بند (ب) به «اعلام و اخبار ضابطین دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن» اشاره شده است که با توجه به جایگاه سازمان‌های غیردولتی و تخصصی بودن آن‌ها و نیز شرایطی که به موجب آن اجازه فعالیت به آن‌ها داده می‌شود، اظهارنظر آن‌ها و اعلام جرم به‌وسیله آن‌ها از لحاظ اطمینان و موثق بودن قابل پذیرش خواهد بود. روشن است که با توجه به جایگاه سازمان‌های غیردولتی و تخصصی بودن آن‌ها و نیز شرایطی که به موجب آن اجازه فعالیت به آن‌ها داده می‌شود، اظهارنظر آن‌ها و اعلام جرم به‌وسیله آن‌ها به‌طور معمول از اشخاص حقیقی از استحکام و دقت بیشتری برخوردار است. بر همین اساس، به نظر می‌رسد مانعی برای پذیرش سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان اعلام‌کننده جرم وجود ندارد (کوشکی، ۱۳۹۲: ۶۵).

موضوع اساسی در این بحث، ارتقای جایگاه این سازمان‌ها به‌عنوان شاکی است. در واقع، نخستین جنبه مشارکت مردم در فرایند کیفری، به کشف و تعقیب جرم برمی‌گردد که حتی با انحصار دولت‌ها مردم می‌توانند از گذر اعلام و افشای جرم در فرایند کیفری مشارکت کنند (دلماسی، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

در پی تدوین قانون آئین دادرسی ۱۳۹۲ کیفری، قانون‌گذار ماده ۶۶ را در جهت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و یا در جرائمی که دارای بزه‌دیده خاصی نیستند، اختصاص داد و بر حضور سمن‌ها در فرایند کیفری تأکید کرد. ماده مذکور درباره سیاست جنائی مشارکتی مواردی را بیان داشته است که تا به حال در نظام قضائی ایران توجهی شایسته و آن نشده است و در واقع شاید برای

نخستین بار در مرحله اعلام جرم و بعد شروع به تغییر جایگاه ویژه‌ای برای نهادهای اجتماعی حتی غیردولتی تعریف و تعیین کرده است (شیعه‌علی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹۴).

یکی از نوآوری‌های قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و اصلاحیه ۹۴ تدوین همین ماده است که دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد را در فرایند کیفری صراحتاً به رسمیت شناخته است و اراده آن‌ها را در تصمیم‌گیری در زمینه‌ای که اساسنامه آن‌ها به تصویب رسیده است دخیل می‌داند که حمایت قانون‌گذار در این ماده شامل دو موضوع مهم است. دسته اول جنبه بزه‌دیده‌شناسی دارد و افراد آسیب‌پذیر و ناتوان را شامل می‌شود که مورد بزه‌دیدگی واقع می‌شوند، دلیل اصلی توجه به این موضوع جلوگیری از تکرار بزه‌دیدگی این افراد از طریق حمایت‌های نظام عدالت کیفری از جمله حمایت کیفری است که در این ماده مورد توجه قرار گرفته است موضوع دیگری که در این ماده مورد توجه واقع شده است، مربوط به جرائمی است که موضوع آن‌ها نقشی حیاتی در زندگی انسان دارد و بدون آن‌ها زندگی انسان مخاطره‌آمیز می‌باشد، با توجه به اهمیتی که این موارد از جمله محیط زیست، بهداشت و غیره در زندگی روزمره دارند و مستقیماً به سلامت انسان مربوط می‌شوند، اهمیت پیشگیری و مقابله با این جرائم مطرح است و اساساً در خصوص موضوعاتی مانند توسعه بهداشت و محیط زیست سمن‌ها به عنوان شریک دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود (Aghajani, 2020:1) و باید حق آن‌ها در اعلام جرم به عنوان شاکی و شرکت در مراحل دادرسی و اعتراض به حکم به رسمیت شناخته شود. علی‌رغم این اهمیت در حال حاضر نقش و جایگاه آن‌ها در حقوق کیفری بسیار ضعیف بوده است و معمولاً در قوانین فعلی جزائی تمرکز نظام قضائی بیشتر بر جرائم خیابانی و مختص طبقه ضعیف جامعه است و در جرائمی که آسیب‌های اساسی و فرهنگی و جبران‌ناپذیر به نظام وارد می‌کنند، چندان توجه نمی‌شود. آنچه در بررسی این ماده مهم است، توجه قانون‌گذار در زمینه موضوعات بسیار مهم و حیاتی جامعه می‌باشد که گامی اساسی در این خصوص برداشته و خلأ قانونی را پر کرده است (شیعه‌علی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹۵).

در مقایسه دو قانون می‌توان بیان داشت که به موجب ماده ۱۶ آئین‌نامه اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد این سازمان‌ها حق دارند، در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضائی اقامه دعوا کند. «شناسایی چنین حقی برای سمن‌ها در چارچوب آئین‌نامه اجرائی مذکور به نحوی با اهداف مندرج در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی هم‌خوانی دارد. تفاوت اساسی بین ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۶ آئین‌نامه مذکور در این است که آئین‌نامه به اقامه دعوا در مراجع قضائی اشاره می‌کند، در حالی که در ماده ۶۶ به اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی می‌پردازد. قالب و شیوه پیش‌بینی شده حق مذکور در

آئین‌نامه اخیرالذکر محل تأمل است، چراکه اعتبار آئین‌نامه در نظام حقوقی به اندازه قوانین عادی نیست و قضات الزامی به پذیرش و اجرای آئین‌نامه‌ها ندارند، زیرا براساس اصل یکصد و هفتاد و هشتم قانون اساسی قضات دادگاه مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند، بنابراین این ماده تضمین مناسبی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند کیفری نیست (کوشکی، ۱۳۹۲: ۷۴).

درخصوص حدود و ثغور مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری به موجب ماده مذکور، نکاتی قابل طرح است که در ادامه مباحث، به بررسی آن می‌پردازیم.

۴-۱- مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی مقام اعلام‌کننده جرم یا شاکی

ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری از جمله نوآوری‌های قانون‌گذار درخصوص پذیرش نقش سمن‌ها در فرایند کیفری و حق دادخواهی سمن‌ها محسوب می‌شود. این ماده پیش از اصلاحات سال ۱۳۹۴ حق اعلام جرم، مشارکت در تمام مراحل دادرسی به منظور اقامه دلیل و اعتراض به آرای مراجع قضائی را به رسمیت شناخته بود که از جمله حقوق شاکی تلقی می‌شود، با اصلاحات مذکور عبارت "جهت اقامه دلیل" و "اعتراض به آرای مراجع قضائی" از این ماده حذف شد.

با اصلاحات مذکور درحال حاضر این شائبه مطرح می‌شود که سمن‌ها صرفاً می‌توانند در زمینه جرائم ارتكابی مربوط به موضوع فعالیت‌شان به دادگستری اعلام جرم کنند، نه شکایت. شایان ذکر است که در حقوق کیفری مفهوم شکایت، متفاوت از مفهوم اعلام جرم است. به درخواست تعقیب جرمی که صرفاً دارای حیثیت و جنبه عمومی باشد، اعلام جرم می‌گویند؛ یعنی هر شخصی می‌تواند اعلام جرم کند و تعقیب مجرم را از دادستان بخواهد؛ اما اگر جرمی جنبه شخصی یا خصوصی داشته باشد، فقط شاکی خصوصی می‌تواند شکایت کند و در صورت عدم شکایت، تکلیفی برای دادستان ایجاد نمی‌شود. بنابراین ممکن است چنین برداشت شود که مفاد ماده ۶۶ مبنی بر حق شرکت، سمن‌ها در تمام مراحل دادرسی بدون حق مداخله در فرایند دادرسی و امکان اقامه دلیل و اعتراض به تصمیمات یا آرای قضائی، به معنای مشارکت در حد اعلام جرم است، نه به‌عنوان شاکی. در تبصره ۲ ماده ۶۶ بیان شده است که ضابطان دادگستری و مقامات قضائی مکلف‌اند بزه‌دیدگان جرائم موضوع ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه کند، از این تبصره چنین برمی‌آید که نقش این نهادهای اجتماعی و غیردولتی و البته غیرقضائی در زمینه اعلام جرم و حتی تغییر جرم تا بدان حد اساسی و تعیین‌کننده در نظر گرفته شده است که حتی اگر جرمی از جرائم موضوع این ماده که همگی جز جرائم و آثار اجتماعی و همچنین موارد خاص مانند امور بهداشتی و

سلامت به‌شمار می‌رود، بدون اطلاع نهادها و سازمان‌های مذکور در ماده فوق صورت بگیرد و توسط حتی نهادهای قضائی از جمله ضابطان دادگستری کشف کردند باز باید به این نهادها در این زمینه اطلاع‌رسانی صورت گیرد و این نهادها را نیز در تعقیب و تحقیق کیفری عاملان ارتکاب این جرائم سهیم و شریک کرد، البته نباید فراموش کرد که با وجود این ماده همچنان وظیفه تعقیب کیفری تماماً برعهده دادسرا و به‌طور خاص داستان است و سازمان‌های مذکور در واقع نوعی نقش اعلام‌کننده جرم را ایفا می‌کنند (شيعه‌علمی، ۱۳۹۴: ۲۹۶).

در مورد مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی بر مبنای تبصره ۳ ماده ۶۶، قانون‌گذار وزیر دادگستری را مکلف کرد در سه‌ماهه نخست هر سال اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد را تهیه کرده و برای تصویب به رئیس قوه قضائیه ارجاع دهد. این تبصره برخلاف قانون اساسی تزیینی غیرقابل توجیه در راه حق دادخواهی سمن‌ها ایجاد کرده است و موجب نقض استقلال و ایجاد محدودیت و پیچیدگی مضاعف در روند ثبت سمن‌ها^۱ و مشارکت در فرایند دادرسی شده است.

بنابراین سمن‌هایی می‌توانند برابر تبصره ۳ ماده ۶۶ در فرایند کیفری شرکت کند که نام‌شان در لیستی که توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه و به‌تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، درج شود. همان‌طور که قبلاً بیان شد، ماده ۱۶ آئین‌نامه اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت مطلق حق اقامه دعوا را به سمن‌ها می‌دهد.

با تصویب قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور سال ۱۳۹۵ مفاد تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری اصلاح شد. به‌موجب بند پ ماده ۳۸ این قانون «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه‌بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یک‌سال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون ذکر شده، محروم می‌شوند. این بند جایگزین تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون اخیرالذکر می‌شود.» با اصلاح صلاحیت پسینی رئیس قوه قضائیه مندرج در تبصره ۳ ماده ۶۶، امکان حضور سمن در فرایند کیفری تسهیل خواهد شد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). به‌منظور اعمال بند «پ» ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه

۱. از جمله موضوعات تأمل‌برانگیز در قانون جدید آئین دادرسی کیفری، تاریخ تهیه و تصویب اسامی سازمان‌های غیردولتی یعنی سه‌ماهه نخست هر سال است. به‌موجب این حکم اگر سازمانی از ماه چهارم سال به بعد تشکیل شود، برای برخورداری از حقوق خود در ماده ۶۶ باید یک‌سال برای تصویب این نهاد صبر کند.

مكلف شده است محرومیت یک‌ساله از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری را برای اعلام جرم مجدد نهاد مردمی که اعلام جرم آن در مراجع صالح سه مرتبه متوالی، رد قطعی شده را در سامانه مربوط، جهت بهره‌برداری مراجع قضائی ثبت کند.^۱

شایان ذکر است سازوکار اجرایی ماده ۶۶ در ماده ۳۰ تا ۳۱ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مورد توجه قرار داده است و حق اعلام جرم و شرکت در فرایند دادرسی منوط به رعایت الزامات و ملاحظاتی چون اعلام جرم در موضوعات مندرج در ماده ۶۶ و ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران معروف و ناهیان از منکر، ارائه پروانه فعالیت معتبر در موضوع اعلام جرم، عدم نیاز به ابطال تمیز در اعلام جرم، امکان شرکت در فرایند رسیدگی و ارائه گزارش دلائل به‌استثنای موارد مندرج در ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری شده است. همچنین مقرر گردیده است که در موارد صدور حکم برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات، نهاد مردمی اعلام‌کننده جرم می‌تواند دلایل لازم به دادستان مربوط ارائه و دادستان در صورت اقتناع، برابر موازین قانونی، نسبت به رأی صادره تجدیدنظرخواهی می‌کند.

در دستورالعمل اخیرالذکر در خصوص موردی که اعلام جرم توسط نهادهای مردمی موضوع ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر صورت پذیرفته باشد، مقرر شده است که مقام قضائی می‌تواند رأساً از نهادهای مردمی همکار به‌عنوان مطلع دعوت به عمل آورد و قبل از ختم دادرسی، نظرات و ملاحظات ایشان را به‌صورت مکتوب دریافت کند.

مطالب مذکور بیانگر کم‌توجهی قانون‌گذار به سیاست بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های کشف جرم نظیر استفاده از ظرفیت‌های مردمی با وجود تأکید سند تحول قضائی بر این امر است. توسعه مشارکت سمن در کشف و اعلام جرم نسبت به تضييع حقوق عامه مستلزم شناسایی حق شکایت برای سمن‌ها و به حداقل رساندن محدودیت‌ها در اعلام جرم، شکایت و شرکت در فرایند دادرسی است. چنین امری زمانی تحقق می‌یابد که دستگاه قضائی سمن‌ها را رقیب خود ندانسته و آن‌ها را به‌عنوان همکار و معتمد به حساب بیاورد و چنانچه نگرانی و ملاحظاتی در خصوص به‌رسمیت شناختن حق شکایت برای سمن‌ها دارد، این نگرانی را با پیش‌بینی سازوکار نظارتی برطرف کنند، نه آنکه به‌طورکلی این حق را به‌رسمیت نشناسد. نظارت سخت‌گیرانه دولت در ایجاد سمن‌ها و اعمال محدودیت به‌انحای مختلف در مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری برخلاف فلسفه وجودی

۱. بند ج ماده ۳۰ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه.

مشارکت جامعه مدنی و گذار از سیاست جنائی ذاتاً دولتی به سوی سیاست جنائی مشارکتی است و تا زمانی که چنین محدودیت‌هایی اعمال شود، نمی‌توان مدعی اعمال سیاست جنائی مشارکتی بود. شایان ذکر است درخصوص اعلام جرم هرچند در قانون چنین حقی با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی به رسمیت شناخته شده است، لکن این شناسایی به‌تنهایی برای افزایش مشارکت سمن‌ها در این زمینه کفایت نمی‌کند و باید اقداماتی چون افزودن مصادیق شناسایی شده به مصادیق مجاز برای اعلام جرم توسط نهادهای مردمی که از جمله راهکارهای توسعه مشارکت است، صورت پذیرد که خود نیازمند اصلاح قوانین و مقررات مرتبط است. تسهیل اعلام جرم توسط اشخاص در سامانه گزارش‌دهی مردمی با ذکر دلایل و ارائه مستندات توأم با تأمین امنیت مادی و معنوی و حفظ محرمانگی هویت سمن‌ها، انجام اقداماتی نظیر احصای مصادیق شناسایی علانم بروز جرم، تسری موضوعی مصادیق اولویت‌دار ترضیع حقوق عامه به‌عنوان مصادیق مجاز برای اعلام جرم (موضوع ماده ۶۶ آئین دادرسی کیفری) به سایر موضوعات با اولویت موضوعات اقتصاد و سلامت و نیز آموزش عمومی سمن‌ها و تعیین حدود مداخله برای اعلام جرم از جمله اقداماتی است که می‌تواند مشارکت سمن‌ها در کشف جرم را تسهیل کرده و افزایش دهد.

نبود رویه واحد در فرایند دریافت و رسیدگی به اعلام جرم توسط نهادهای مردمی از دیگر موانع مشارکت سمن‌ها در کشف جرم است که باید در این خصوص از سوی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و دادستانی کل کشور اقدامات لازم صورت پذیرد.

۴-۱-۱- محدود شدن مشارکت سمن‌ها به «اعلام جرم» در جرائم منافی عفت

به‌موجب تبصره چهارم که در اصلاحیه نهائی به ماده ۶۶ اضافه شد، سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم منافی عفت صرفاً از حق اعلام جرم برخوردارند. این سازمان‌ها باید دلایل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند و نیز از حق شرکت در جلسات دادگاه برخوردار نیستند.

۴-۲- مشارکت سمن‌ها در فیصله دادن به اختلافات کیفری

مشارکت مردم در حل و فصل مبتنی بر صلح و سازش، میانجی‌گری^۱، تلطیف مجازات‌ها و همکاری در اجرای آن به‌ویژه همکاری در مشخص شدن مجازات‌ها و یا کمک به زندانیان نیازمند و

۱. هدف از میانجی‌گری کیفری استفاده از ظرفیت نهادهای غیررسمی و مردمی در رسیدگی به جرائم و اختلافات خود و سبک است تا علاوه بر اینکه از بار دادگستری کاسته شود و طرفین با آرامش و طیب‌خاطر بیشتری برای حل اختلاف گرد هم جمع شود، این فرایند از گفت‌وگو و واسطه‌گری میانجی تصمیمی براساس اوضاع و احوال پرونده اتخاذ می‌شود که هم خسارات وارده به بزه‌دیده جبران شود و هم مجرم از جامعه طرد نشود (شیعه‌علی و همکاران، همان: ۳۰۰).

نهایتاً نظارت بر اجرای قراردادهای کیفری^۱ (بیرانوند، همان، ۵) از جمله ظرفیت‌های نهادهای مدنی در اجرای سیاست‌های جنایی مشارکتی در سطح اجرایی است.

قوانینی که در آن‌ها مردم و نهادهای مردمی در سیاست جنایی مشارکتی نقش ایفا می‌کنند، در سطح اجرایی ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در حوزه مجازات جایگزین حبس صحبت می‌کند. رکن رکین استفاده از کیفرهای جایگزین حبس، حمایت، نظارت، مراقبت و همکاری مردم و نهادهای مدنی است (بیرانوند، همان، ۹). ماده ۴۳ قانون مذکور نیز در بیان حکم تعویق مراقبتی الزامات هشت‌گانه‌ای را مقرر می‌کند که اجرای آن‌ها مستلزم توسل به مردم و نهادهای مردمی یا حداقل همکاری نزدیک با آنان است. ماده ۸۴ نیز موضوع ارائه خدمات عمومی رایگان را مطرح می‌کند. توضیح اینکه خدمات عام‌المنفعه از مصادیق مهم مشارکت مردم در فرایند اصلاح و درمان بزه‌کاران است. در اجرای خدمات مذکور، یکی از مؤلفه‌های اساسی، گزینش نهادها و افرادی است که تجارب کار عام‌المنفعه محکومان به آنان واگذار می‌شود، مانند بنیادهای خیریه، سازمان‌های مذهبی یا سازمان‌های مردم‌نهاد تخصصی (بیرانوند، همان: ۱۲). ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز نقش مهمی را برای میانجی‌گری کیفری توسط اشخاص حقیقی و حقوقی غیرقضائی تعیین کرده است. در این زمینه، ضابطان دادگستری در اجرای دستور مقام قضائی مبنی بر بررسی امکان صلح و سازش و اخذ رضایت بزه‌دیدگان می‌توانند از ظرفیت‌های نهادهای مردمی همکار در ایجاد صلح و سازش استفاده کنند؛ این مسئله در دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه مورد تأکید قرار گرفته است و در اجرای ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۵ آئین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری، مقرر شده است که مقام قضائی در صورت توافق طرفین، پرونده را به یکی از نهادهای مردمی مورد توافق به‌منظور میانجی‌گری ارجاع دهد.

درخصوص نقش مردم در اجرایی شدن قراردادهای کیفری نیز می‌توان به ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ اشاره کرد که نهادهای اجتماعی را به بحث نحوه اصلاح متهم از طریق فعالیت‌های سازنده اجتماعی به‌میان کشیده است (شیعه‌علی، همان: ۳۰۴).

در راستای توسعه مشارکت سمن‌ها در اعمال شیوه‌های ترمیمی در دادرسی چنانچه در سند تحول قضائی نیز تأکید شده است، لازم است تا از نهادهای ارفاقی به‌صورت اثربخش استفاده شود

۱. منظور از قرارداد کیفری، نوعی توافق کیفری است که بین مقام قضائی و متهم خط فاصله بزه‌کار منعقد می‌شود و مطابق آن مقام قضائی از پیگرد مؤجر صرف‌نظر می‌کند و متهم را مجرم نیز متعهد به انجام افعال یا ترک افعالی می‌شود که در قرارداد قید شده است (شیعه‌علی، همان: ۳۰۴).

که این کار با فراهم‌سازی امکان نقش‌آفرینی نهادهای مردمی، ایجاد زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم از جمله تعریف فرایند اعمال نهادهای ارفاقی، ایجاد ساختار سازمانی متناسب و ایجاد سامانه اطلاعات نهادهای ارفاقی مشتمل بر مواردی از جمله اطلاعات افراد مشمول، نوع نهاد ارفاقی صادره و نتیجه اقدامات انجام‌شده به‌منظور رصد مستمر وضعیت افراد، صورت خواهد پذیرفت.

به‌رسمیت شناختن قانونی صلاحیت سمن‌ها در ورود به موضوعاتی چون اصلاح مجرمان، ترمیم روابط اجتماعی سالم زندانیان و صلح و سازش به‌تنهایی برای توسعه مشارکت سمن‌ها در این زمینه کفایت نمی‌کند و لازم است تا نظام‌های انگیزشی متناسب نظیر ایجاد رقابت، شناسایی و ترویج الگوهای اثربخش و تقدیر از الگوهای برتر طراحی شود.

نتیجه‌گیری

احیای حقوق عامه امروزه از اولویت‌های قوه قضائیه در اجرای وظایف قانونی خود است. قوه قضائیه در راستای اجرای این تکلیف علاوه بر ساختارهای رسمی تابعه خود می‌تواند از ساختارهای غیررسمی استفاده کند. بهره‌گیری از سیاست جنائی مشارکتی در سه سطح تقنینی، قضائی و اجرایی در انجام وظیفه مذکور راهکاری مناسب و در دسترس برای قوه قضائیه است که ابزارهای مختلفی را در اختیار آن قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آن‌ها در ایفای تکلیف مزبور موفق عمل کند. از جمله مهم‌ترین این ابزارها استفاده از ظرفیت مردمی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد است.

قوه قضائیه می‌تواند در این رهگذار از ظرفیت مطالبه حقوق و آزادی‌های مشروع، مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضائی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجی‌گری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و بازاجتماعی شدن متهمان و مجرمان بهره‌برد. رویکرد تعاملی دستگاه قضائی با نهادهای مذکور، از طرق متفاوتی چون مساعدت‌های مالی، اعطای حق دادخواهی به کلیه سمن‌ها در حیطه موضوع فعالیت آن‌ها با پیش‌بینی تمهیدات لازم مبنی بر جلوگیری از سوءاستفاده سمن‌ها از حقوق قانونی‌شان، صدور مجوز شرکت در جلسات دادرسی و ایجاد مشوق‌های قانونی برای همکاری این نهادها به‌ویژه با نهادهای نظارتی نظیر سازمان بازرسی کل کشور، حمایت‌های لازم را با هدف افزایش کارآمدی آن‌ها و بهره‌گیری از توانمندی آن‌ها در احیای حقوق عامه به‌عمل آورد.

استفاده از ظرفیت سمن‌ها و مشارکت آن‌ها در احیای حقوق عامه، نیازمند ایجاد ساختار نظام‌مند و سازماندهی مناسب نهادهای درگیر در موضوع است. اگرچه تدوین و ابلاغ سند سیاست قضائی و «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با قوه قضائیه» گامی مؤثر در این زمینه تلقی می‌شود و در دستورالعمل مزبور در همه زمینه‌هایی که متصور است و به وظایف قوه قضائیه در

اصل ۱۵۶ مربوط می‌شود، ظرفیت‌سازی شده است؛ لکن همچنان در این مسیر مشکلات و موانعی به چشم می‌خورد.

در مرحله تقنین سیاست جنایی مشارکتی ممکن است که در مرحله نیازسنجی برای وضع قانون جدید و یا هنگام تدوین قانون ایرادات و اشکالات و موانعی ظاهر شود. این مسئله که کدام دسته از جرائم را داخل در دامنه عملکرد سیاست جنایی مشارکتی می‌توان وارد کرد و اینکه کدام بخش‌های جامعه را در این سیاست می‌توان دخالت داد، از جمله موضوعات چالش‌برانگیز مطرح در این حوزه است. شناسایی جرائم مذکور، در وهله اول امری چندان پیچیده به نظر نمی‌رسد، لکن در مرحله بیان مصادیق چنانچه در برخی قوانین ملاحظه می‌شود، مشکلاتی ممکن است رخ دهد. در راستای حل این مسئله، باید امکان اعلام جرم نهادهای مردمی با افزودن مصادیق شناسایی شده به مصادیق مجاز برای اعلام جرم توسط نهادهای مردمی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط و توسعه سامانه گزارش‌دهی مردمی صورت پذیرد. همچنین لازم است در تدوین قوانین جدید و اصلاح قوانین موجود با نگاه به تمام ظرفیت‌های نظام اعم از ظرفیت‌های حاکمیتی و مردمی، راهکارهایی اتخاذ شود که علاوه بر دارا بودن ماهیت تحولی، بتواند عوامل ایجادکننده چالش را به صورت پایدار رفع و یا به طور معنادار اصلاح کند و علاوه بر تحقق مأموریت‌های بخش‌های مختلف دستگاه قضائی، پشتیبانی‌کننده حقوق فردی و اجتماعی در جامعه باشد. شایان ذکر است که تحقق راهکارها، مستلزم تعیین متولی مشخص و زمان‌بندی اجرا است.

تغییرات در جهت‌گیری‌های کلان قوه قضائیه از غلبه رویکرد دادخواست‌محور به غلبه رویکرد گسترش‌دهنده عدل و حامی حقوق عمومی و آزادی‌های مشروع و از مدیریت متمرکز و اکتفا به ظرفیت‌های درون‌سازمانی به مدیریت مشارکت‌جو و مردم‌محور نیز از دیگر ضروریات اجرای سیاست جنایی مشارکتی است که با توجه به تأکید سند تحول قضائی بر این تغییر جهت انتظار می‌رود در عرصه اجرایی نیز شاهد چنین تغییراتی باشیم.

مطالب مذکور بیانگر آن است که در مسیر بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها در راستای الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام سیاست جنایی در راستای رویکرد مشارکتی با بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها، انجام اقداماتی ضروری می‌نماید که در این خصوص پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- عدم اکتفا به صدور آئین‌نامه و دستورالعمل و لزوم ارائه لوایح قضائی با توجه به اختیاراتی

که در اصل ۱۵۸ ق.ا. برای قوه قضائیه مقرر شده است، در راستای تعریف و تبیین حقوق عامه و

نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه و اصلاح قوانین ناکارآمد و حمایت از

آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی.

۲- تدوین و ارائه لایحه به مجلس برای اتخاذ سیاست جنائی مشارکتی و کاستن از فرایند پیچیده و طولانی صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد. در این زمینه تدوین قانونی جامع درباره تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد با رویکرد تسهیل حضور و فعالیت این سازمان‌ها در زمینه‌های گوناگون ضروری است.

۳- بهره‌گیری از مشارکت سمن‌ها در سیاست‌گذاری با توجه به تجربه و تخصص سمن‌ها در سطوح راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی در تهیه و تدوین لوایح قضائی، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها.

۴- ارتقای نظام میانجی‌گری با افزایش دامنه موضوعی با به‌رسمیت شناختن فعالیت نهادهای مردمی و تسهیل دسترسی آن‌ها به اطلاعات طرفین از طریق اصلاح قوانین و مقررات مرتبط.

۵- اهتمام نظام قضائی به اجرای مفاد دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با قوه قضائیه.

۶- تشکیل مرکزی برای هماهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد در قوه قضائیه در راستای جلوگیری از تداخل اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد و هم‌افزایی فعالیت‌ها.

۷- برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی به سمن‌های فعال در حوزه امر به معروف در راستای توانمندسازی آن‌ها تا بتوانند با پشتوانه قانونی در حوزه‌هایی همچون تعلیم و تربیت، محیط زیست و ... فعالیت کنند و حتی از روند بعضی پرونده‌های قضائی اطلاع داشته باشند.


۸- بهره‌گیری از سمن در حوزه‌های آموزشی، مشاوره‌ای، مددکاری حمایتی و اجرایی نهادهای مردمی برای انجام صلح و سازش میان طرفین دعوی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایتی به زندانیان و تلاش برای ترمیم آسیب‌های عاطفی، روانی، جسمی و مالی وارد بر بزه‌دیدگان و جلب رضایت آن‌ها برای شرکت در فرایند میانجی‌گری و حصول صلح و سازش.

۹- ایجاد زمینه پذیرش نهاد نظارت و کشف تخلفات با مطالبه سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم شود و اجازه پیگیری مستقیم به موضوعات مختلف نزد مراجع قضائی.

۱۰- با توجه به اینکه به‌رسمیت شناختن حق مشارکت سمن‌ها در فرایند دادرسی در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری در جهت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و یا در جرائمی که دارای بزه‌دیده خاصی نیستند، قوه قضائیه باید از ظرفیت آن‌ها در راستای احیای حقوق عامه بر مبنای ماده مذکور به‌گونه‌ای استفاده کند تا سمن‌ها از این حق برخوردار باشند که به‌عنوان شاکی در حوزه اساسنامه تصویبی خود اعلام جرم کرده و از اشخاص حقیقی، حقوقی و حتی از سازمان‌ها و ارگان‌هایی که در جهت نقض اهداف و موضوعات بیان شده هستند، به‌عنوان مشتکی‌عنه شکایت کرده و در تمام مراحل دادرسی به‌منظور اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای قضائی اعتراض کنند.

از این رو باید صراحتاً به حقوق مذکور در قوانین و مقررات اشاره شود. سمن‌ها باید بتوانند با حمایت قوه قضائیه به‌نحو مؤثری دعاوی مربوط به تضييع حقوق عامه را مطرح کنند. همچنین این امکان وجود دارد که دامنه جرائم موضوع ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری گسترده‌تر در نظر گرفته شود و برخی دیگر از جرائمی که می‌توان در کشف، تغیب و یا تحقیق آن‌ها از نهادهایی به‌جز نهادهای قضائی کمک گرفت و آن‌ها را در این امر سهیم گردانید هم در این ماده گنجانده شود.

اگرچه اعتماد به سازمان‌های مردمی در سیاست جنائی مشارکتی مبنای عملکرد است، لکن با توجه به خلأ قانونی در خصوص مقابله و برخورد با سوءاستفاده سمن‌ها از اختیارات قانونی اعطا شده بدان‌ها، به‌دلیل زمان‌بر بودن تصویب قانون جامع در خصوص تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد، تا تصویب چنین قانونی اصلاح و تکمیل آئین‌نامه اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۹ در زمینه پیش‌بینی تضامین محکم و قابل‌اعتنا برای جلوگیری از فساد و سوءاستفاده سازمان‌های مردم‌نهاد، امری ضروری است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

فارسی

- بابایی، جابر و صفایی حامد (۱۳۹۳)، «جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم در ایران»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۳۳، سال ۱۰، صفحه ۱۰۶-۸۱.
 - بیرانوند، رضا و سبزیان‌فرد، شهرام (۱۳۹۷)، «جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنائی مشارکتی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳۹، دوره ۱۱، صفحه ۱-۲۴.
 - جوان‌آراسته، حسین (۱۳۹۲)، «نظارت همگانی و متقابل در نظام اسلامی، تحلیل اصل هشتم قانون اساسی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، سال نهم، صفحه ۱۴۴-۱۲۹.
 - حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، سیاست جنائی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سمت.
 - خالقی، علی (۱۳۹۴)، نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری، چاپ پنجم، تهران: شهر دانش.
 - دلماسی، مارتی میری (۱۳۸۱)، نظام بزرگ سیاست جنائی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 - رستمی، ولی (۱۳۸۶)، «مشارکت مردم در فرایند کیفری بررسی سیاست جنائی کشورهای غربی»، فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، سال ۳۷، صفحه ۱۳۹ تا ۱۷۱.
 - رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضائی بین‌المللی»، فصلنامه حقوق، شماره ۲، صفحه ۱۷۲-۱۵۳.
 - رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه، از تأسیس تا فعالیت»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲، دوره ۶، صفحه ۵۶۷-۵۴۱.
 - رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، دوره ۷۵، صفحه ۲۲۴-۱۹۹.
 - رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در پرتو قانون آئین دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۹، صفحه ۱۶۷-۱۳۹.
 - سلطانی، سیدناصر (۱۳۹۳)، جرائم علیه حقوق اساسی ملت، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه پژوهشکده حقوق عمومی و بین‌الملل.
 - شفیع‌ی، حنا (۱۳۹۹). «نخستین جلسه کارگروه ملی سمن‌ها با قوه قضائیه برگزار شد». خبرگزاری جمهوری اسلامی:
- Available At :<https://www.irna.ir/news/۸۴۰۲۲۷۴۹>. Last Visited: 15/3/1400
- شیعه‌علی، علی؛ وحید زارع و مجتبی زارع (۱۳۹۴)، «جایگاه سیاست جنائی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۴ و ۵، دوره ۲، صفحه ۲۸۷ تا ۳۱۰.

- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، جلد ۳، چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۷)، «الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضائی حقوق اسلامی»، حقوق اسلامی، شماره ۵۸، سال پانزدهم، صفحه ۹۹-۷۱.
- فلاح‌زاده، علی محمد و زارعی، زهرا (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی سازمان بازرسی کل کشور و نهاد آمبودزمان»، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲، دوره یک، صفحه ۱۵۸-۱۲۷.
- قاسمی، احمد (۱۳۹۸)، نشست احیاء حقوق عامه: از مفهوم تا اجرا، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲)، «سازمان‌های غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی با نگاهی به قانون آئین دادرسی کیفری»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره ۴، سال دوم، صص ۸۶-۶۵.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۶)، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق بشری، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- لسانی، سیدبهبزاد و مشهدی، علی (۱۳۹۷)، «حفاظت از محیط زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم و سی و چهارم قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۲۱، سال هشتم، صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۶.
- مجتهدسلیمانی، ابوالحسن و مهدوی‌پور، اعظم و دارابی، بیژن و ابدالی، اسدالله (۱۳۹۶)، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی»، ویژه‌نامه پژوهش‌های اخلاقی، شماره یک ویژه‌نامه، سال هشتم، صفحه ۱۰۶-۸۹.
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی ابراندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، دیباچه بر: بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه: روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران: نشر مجد.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ----- (۱۳۹۹)، «صدور مجوز برای امر به معروف و نهی از منکر نافه حق شرعی همگانی نیست»، خبرگزاری مهر.

Available At: mehrnews.com/xSj4f. Last Visited:2/3/1400

انگلیسی

- Aghajani, S. (2020), The Role of NGOs (Non-governmental organizations) in Participatory Prevention of Environmental crimes. *Revista Eletrônica em Gestão, Educação e Tecnologia Ambiental*, 24, e16. doi:https://doi.org/10.5902/2236117040267
- JOHNSTONE G. Penal Policy Making: Elitist, Populist or Participatory? *Punishment & Society*. 2000; 2(2):161-180. doi:10.1177/14624740022227935lpxd cdsj



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی